



www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۹ • ۲۲ صفر ۱۴۴۲ • ۱۰ اکتبر ۲۰۲۰

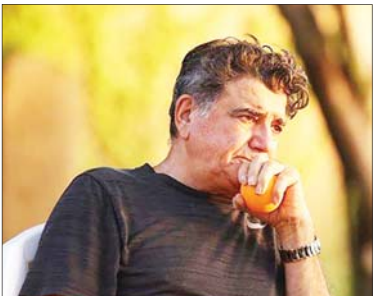
سال هجدهم • شماره ۳۸۲۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۳

اذان صبح فردا ۴:۴۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه شرق



بزرگداشت

فاصله و یگانگی

بگذار. بخشی از این فاصله را در شیوه زیست او باید جست‌وجو کرد، اما بخش دیگری از آن حاصل انتخابی آگاهانه است؛ انتخابی که نتیجه‌اش استقلال و یگانگی است، همیشه فاصله‌ای با اصحاب سیاست و قدرت داشت، حتی وقتی آدم احساس می‌کرد که به برخی از آنان از نظر فکری نزدیک است. او با اینکه در برخی از حوادث سیاسی همراه می‌شد، اما این همراهی با فاصله‌ای همراه بود و خود را یک سره به فضای عمومی نمی‌سپرد، یک‌جور فاصله‌ای که از او شخصیتی یگانه می‌ساخت که می‌توانست از میانه حوادث بزرگ دوباره سربلند سرب‌برآورد و خودش باشد بی‌کم‌وکاست؛ آنچه دیگران از او طلب می‌کنند. با قدرت و سیاست تکلیف روشن‌تر است، اما گاهی آنچه مردم طلب می‌کنند، گشودن یا پیمودن راهی سنگ‌لاخ‌تر است. طرف مردم ایستادن یا هوای مردم را داشتن در بزنگاه‌های تاریخی چیزی است و یگانه‌شدن یا خود و سپردن راهنمایی خود به دست هواداران چیزی دیگر است. او هر دو را خوب بلد بود. اصول و معیارهای اخلاقی و شیوه زیستش همان‌قدر که به فاصله با اصحاب قدرت و سیاست می‌انجامید، مانع دنباله‌روی از خیل دوستداران در عین طرفداری از مردم بود. او خود را خاک پای مردم ایران می‌دانست، اما پیرو چشم‌وگوش‌سته همان مردم هم نبود؛ او خودش بود، یگانه و سربلند با معیارهایی که در طول زمان از او محبوب‌ترین هنرمند ایران را شکل داده است. یک‌بار همین موضوع را با او در میان گذاشتم. پاسخ پرسش‌م را با خاطره‌ای از سفرش به بغداد پیش از انقلاب با یکی از خوانندگان پای پیش از انقلاب داد و گفت سببی که کنار دجله میهمان عراقی‌ها بوده‌اند، آن بانوی محترم هم همین پرسش را به عنوان انتقاد طرح

علی‌اصغر سیدآبادی

شاید آخرین کنسرت استاد شجریان در تهران بود؛ سال ۱۳۸۶. آن وقت‌ها در روزنامه اعتماد ملی بودیم. قرار گذاشتیم ویژه‌نامه‌ای برای کنسرت در روزنامه منتشر کنیم، با گفت‌وگویی بلند با استاد. پیشنهاد دادیم چند عکس خاص هم منتشر کنیم، یکی از دوستان بزرگوارش، عکس‌های زیادی در لپ‌تاپش داشت. عکس‌ها را که مرور می‌کردیم، عکسی چشم را گرفت. آقای شجریان در ظرفی هندوانه قاج‌کرده و به میهمانانش تعارف می‌کرد. رنگ قرمز هندوانه با پیراهن احتمالا آبی در پس‌زمینه‌ای که رنگش در یادم نیست، ترکیب رنگی جذابی ساخته بود و خنده معروفش حال‌وهوایی یگانه به فضا داده بود. آقای شجریان با انتشار این عکس و هر عکس دیگری که او را در چنین حال‌وهوایی نشان می‌داد، موافق نبود؛ آن عکس منتشر نشد. الان هم که هر کس هر عکسی داشته باشد، درمی‌امکان انتشارش را دارد، در میان عکس‌هایی که از آقای شجریان منتشر شده است، کمتر عکسی می‌توان یافت که بتوانیم با صفت صمیمی و شخصی و... توصیفش کنیم. آدم‌های محبوب همیشه در خانه‌های شیشه‌ای زندگی می‌کنند و فاصله‌ای میان زندگی خصوصی و زندگی حرفه‌ای‌شان نیست. تصویر زندگی خصوصی‌شان در کوی و برزن پخش است و شایعات درباره زندگی‌شان نقل و نقل محافل است، اما استاد شجریان موفق شده بود که میان زندگی خصوصی و حرفه‌ای‌اش فاصله‌ای

ادامه از صفحه اول

متصل به ریشه‌های چند هزار ساله

بردارند تا چیزی سد راهش نشود و هرچه زلال‌تر و بهتر به آینده برسد و گوارای وجودشان شود. یکی از بهترین میراث‌های این جوی استاد شجریان است. حتما بزرگان فرهنگ ما از آن جهتی که شجریان باعث انس و تجدید آشنایی امروزیان با آثارشان شده، از او خوشدند. هر قدر که بُعد و فاصله زمانی میان ما و قدما هست، در صدای شجریان برداشته می‌شود و او می‌شود سطح تماس ما با آن گفته‌ها و اندیشه‌ها. شجریان می‌شود آن میوه خوش عطر و رنگی که ما را از سلامتی و زبایی درخت فرهنگمان مطمئن می‌کند.

این نخستین کارهای استاد شجریان تا به امروز، همه پیکره انتزاعی انسان از سفال- تپه گیان نهاوند. در این مجسمه همه سر با یک دهان بزرگ و باز مشخص شده است و یک دست را بر صورت و کنار دهان قرار داده است و حالت فریاد یا آواز را القا می‌کند

یاد

دیگر فرزندان در این مدت میراث‌دار و نماینده نام بزرگ شجریان بوده است. شاید چند زمانی دیگر او بتواند راحت‌تر از این روزها و لحظه‌ها و آنچه بین خانواده و دولتمردان و پدرش گذشته است، سخن بگوید. شاید بعدتر راحت‌تر بتواند از غم سخن بگوید. شاید در زمانی دیگر راحت‌تر بتواند تشریح کند که برای چگونگی تشییع، برگزاری مراسم یادبود و... چه بین خانواده و مسئولان گذشت که او گفت: «اختیار از دست من خارج بود». از همسر استاد، «کتایون خوانساری»، نیز یک سکوت و یاری در این مدت شنیده نشد. هرچند او در اسفند ۹۵ در سال اول شد بیماری در گفت‌وگویی چنین توصیف کرده بود: «چهره‌های محبوب و مردمی وقتی دچار

خانواده، مردم و...

گیسو فغفوری؛ نوروز چند سال پیش بود که استاد شجریان از میهمانی ناخوانده که بیش از ۱۵ سال است در کنارش زندگی می‌کند، سخن گفت؛ میهمانی که در این چند سال آخر، او و خانواده‌اش را بسیار آذیت کرد. از اسفند ۹۸ به این طرف، بارها شدت بیماری بیشتر و بیشتر شد تا ۱۷ مهر که دیگر نفس، «صدای مردم ایران» را یاری نکرد. خانواده او همراهان بی‌ظیری بودند. «همایون شجریان» که با بلندگوی دستی به میان مردم در بیمارستان جم آمد و سخن گفت: «خاک‌سپاری در کنار حضرت فردوسی خواسته همه، همه است». او که دیروز صبح در بهشت‌زهرها نیز باز هم در جمع مردمی که جامانده از نماز ساعت شش صبح به تشییع آمده بودند، قرار گرفت و سعی کرد به آنان آرامش ببخشد، درحالی‌که خود غمی بزرگ بر دوش داشت. همایون شجریان باید مراقب نام بزرگمردی می‌شد که همراه مردم بود، در روزهایی که کرونا خود قاتل بزرگ مردمان ایران شده بود. شاید برای همین بارها و بارها تأکید کرد: «شما خودتان عزادارید». او که با بوسه‌ای بر تابوت پدرش از «خسرو خوبان» خداحافظی کرد، بیش از

یادبود

جان از تن آواز رفت...

گروه هنر؛ شورای عالی خانه موسیقی متشکل از آقایان فرهاد فخرالدینی، حسن ریاحی، داوود گنجه‌ای، محمد سریر، هوشنگ کامکار و داریوش پیرنیاکان به‌مناسبت درگذشت استاد محمدرضا شجریان پیامی منتشر کرد. در این پیام آمده است: «این ناقوس جاودانگی سیل‌آسا است، این مرگ صداست، فریاد در سکوت و خیر هجرت حنجره‌ای به پهنای آسمان است که به گوش می‌رسد و چنین غوغا می‌کند. صدای ملت از میان ما رقت... محمدرضا شجریان... این هویت ملی و حافظه تاریخی ما پرکشید! آواز پرواز کرد! این نادره دوران، صدای فروخته مردمان آزاده و مغمو می بود که همراه چشم به آینده داشتند. او امید بود و قوت قلب... نور بود و روشنایی و سوگ بود و سرود، برای ملتی که آمال و آرزوهای خود را در صدای او می‌دیدند و می‌شنیدند... صدای او را می‌شد دید و نظاره کرد! شجریان وجودش صدا بود... صدای انسانی تخبه و برکشیده از بطن ملت. او چشم‌وگوش و زبان ملت ما در بیش از نیم قرن اخیر بود و به همین سبب هنرمندی بزرگ و تأثیرگذار شد... تاریخی و ماندگار... شجریان به قله‌ای رفیع دست یافت که فتحش کاری است سترگ و ناشدنی... سکوتش فریاد بود و نجوازش خروش... او رقت، آسمانی شد... و به ما ثابت کرد که «تنها صداست که می‌ماند»... به بدرقه این اسطوره تاریخ فرهنگ و هنر ملی ایران می‌رویم و سعدی و حافظ و خیام و مولانا به استقبالش... بدردور ای هنرمند بزرگ و همیشه جاودان.»

کیهان کلهر:

جان از تن آواز رفت...

اصغر فرهادی، فیلم‌ساز

با تمام وجودم غمگینم، محبوب قلب‌های ایرانیان جهان را ترک کرد. صدای آسمانی‌اش، نام نیک پراحترامش و آزادگی ستایش‌برانگیزش با وجود بدخواهی دشمنان حقیرش، در تاریخ این سرزمین برای همیشه درخشان باقی خواهد ماند.

شهرام ناظری، خواننده

شهرام ناظری در پیامی ویدئویی بعد از خواندن «مرغ سحر» گفت: «محمدرضا شجریان رفتنی نیست. او برای همیشه تاریخ جاوید و زنده است.»

ایران درودی، نقاش

تو ای محمدرضا شجریان! فرزند خلف ایران، تو ای آوای جاودانه خراسان، آوای برخاسته از گلوگاه گرم تو، قلب یکایک هم‌وطنان تو را گرم کرد. تو نمرده‌ای، صدای تو در قلب ما جاودانه حک شده است. گویند فقط صداست که می‌ماند. من مرثیه تو را نخواهم گریست. تعالی تو را خواهم سرود.

حسین علیزاده، نوازنده و آهنگ‌ساز

«مهر با تو آمد، مهر با تو رفت، اما تو نمی‌روی و مهر با نام تو می‌ماند. تو مهری و همه فصول مهربانی مهر تو. تو بزرگ بودی و بزرگ رفتی اما چه کوچک، کوچکی که چشم و گوش بستند و سیاه ماندند تو تا ابد خواهی ماند... تو تا ابد خواهی خواند...»

برویز برستویی

خسرو آواز ایران، استاد شجریان عزیز، شما فقط یک خواننده نبودید. شما یک روشنفکر، فرهیخته و یک انسان والا بودید. شما بزرگ و سرکرده موسیقی ایران‌زمین بودید. بنده کوچک‌ترین، به خودم می‌بالم که بارها و بارها شما را از نزدیک زیارت کردم و از سخنان و پندهای شما آموختم. خوشحالم که در آخرین کنسرتان افتخار حضور داشتتم. در وصف شما می‌شود در طول تاریخ صحبت کرد و صحبت خواهند کرد. تسلیت به همایون عزیز و خاندانت. تسلیت به ملت ایران در تمام دنیا. تسلیت به خانواده موسیقی ایران‌زمین. استاد عزیز شما جاودانه بودید و جاودانه‌تر شدید. یادتان همیشه در دل‌ها خواهد ماند. کاش این ویروس لعنتی کرونا نبود و مردم عزیز و عاشقانان حق مطلب را به‌درستی ادا می‌کردند. درود بی‌پایان بر شما که همیشه در کنار مردم بودید و جز اعتلای فرهنگ عشق و صلح و صفا و آرامش برای ملت ایران نخواستید. روحتان شاد و یادتان گرامی که در قلب‌هایمان حک شدیدی و جاودانه در تاریخ ایران‌زمین.

خانواده، مردم و...

گیسو فغفوری؛ نوروز چند سال پیش بود که استاد شجریان از میهمانی ناخوانده که بیش از ۱۵ سال است در کنارش زندگی می‌کند، سخن گفت؛ میهمانی که در این چند سال آخر، او و خانواده‌اش را بسیار آذیت کرد. از اسفند ۹۸ به این طرف، بارها شدت بیماری بیشتر و بیشتر شد تا ۱۷ مهر که دیگر نفس، «صدای مردم ایران» را یاری نکرد. خانواده او همراهان بی‌ظیری بودند. «همایون شجریان» که با بلندگوی دستی به میان مردم در بیمارستان جم آمد و سخن گفت: «خاک‌سپاری در کنار حضرت فردوسی خواسته همه، همه است». او که دیروز صبح در بهشت‌زهرها نیز باز هم در جمع مردمی که جامانده از نماز ساعت شش صبح به تشییع آمده بودند، قرار گرفت و سعی کرد به آنان آرامش ببخشد، درحالی‌که خود غمی بزرگ بر دوش داشت. همایون شجریان باید مراقب نام بزرگمردی می‌شد که همراه مردم بود، در روزهایی که کرونا خود قاتل بزرگ مردمان ایران شده بود. شاید برای همین بارها و بارها تأکید کرد: «شما خودتان عزادارید». او که با بوسه‌ای بر تابوت پدرش از «خسرو خوبان» خداحافظی کرد، بیش از

یاد

دیگر فرزندان در این مدت میراث‌دار و نماینده نام بزرگ شجریان بوده است. شاید چند زمانی دیگر او بتواند راحت‌تر از این روزها و لحظه‌ها و آنچه بین خانواده و دولتمردان و پدرش گذشته است، سخن بگوید. شاید بعدتر راحت‌تر بتواند از غم سخن بگوید. شاید در زمانی دیگر راحت‌تر بتواند تشریح کند که برای چگونگی تشییع، برگزاری مراسم یادبود و... چه بین خانواده و مسئولان گذشت که او گفت: «اختیار از دست من خارج بود». از همسر استاد، «کتایون خوانساری»، نیز یک سکوت و یاری در این مدت شنیده نشد. هرچند او در اسفند ۹۵ در سال اول شدت بیماری در گفت‌وگویی چنین توصیف کرده بود: «چهره‌های محبوب و مردمی وقتی دچار

خانواده، مردم و...

گیسو فغفوری؛ نوروز چند سال پیش بود که استاد شجریان از میهمانی ناخوانده که بیش از ۱۵ سال است در کنارش زندگی می‌کند، سخن گفت؛ میهمانی که در این چند سال آخر، او و خانواده‌اش را بسیار آذیت کرد. از اسفند ۹۸ به این طرف، بارها شدت بیماری بیشتر و بیشتر شد تا ۱۷ مهر که دیگر نفس، «صدای مردم ایران» را یاری نکرد. خانواده او همراهان بی‌ظیری بودند. «همایون شجریان» که با بلندگوی دستی به میان مردم در بیمارستان جم آمد و سخن گفت: «خاک‌سپاری در کنار حضرت فردوسی خواسته همه، همه است». او که دیروز صبح در بهشت‌زهرها نیز باز هم در جمع مردمی که جامانده از نماز ساعت شش صبح به تشییع آمده بودند، قرار گرفت و سعی کرد به آنان آرامش ببخشد، درحالی‌که خود غمی بزرگ بر دوش داشت. همایون شجریان باید مراقب نام بزرگمردی می‌شد که همراه مردم بود، در روزهایی که کرونا خود قاتل بزرگ مردمان ایران شده بود. شاید برای همین بارها و بارها تأکید کرد: «شما خودتان عزادارید». او که با بوسه‌ای بر تابوت پدرش از «خسرو خوبان» خداحافظی کرد، بیش از